

ادبیات شهادت در دوران نوزایی انقلابی با تأکید بر عناصر اسطوره‌ای

سمیره همتی

گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات فارسی و زبانهای خارجی، دانشگاه پیام نور، ایران.

فروردین ۱۴۰۲، دوره ۱۶، شماره پیاپی ۸۳، صص ۱۵-۱

DOI: 10.22034/bahareadab.2023.16.6848

نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی

(بهار ادب)

چکیده:

زمینه و هدف: مضمون شهادت در عرصه علوم قدیم چون فقه، عرفان و فلسفه و دانشهای نو چون جامعه‌شناسی و حقوق، موضوع مباحثات فراوان بوده و هست؛ ولی در این مبحث ادبی، شهادت از منظر اسطوره‌مرگ‌آگاهی برای درک جاودانگی و کنش خودقربانی کردن، و شهید در شمایل کهن الگوی قهرمان بررسی میشود. ردیابی موتیف شهادت از ادبیات گذشته باستانی و اسطوره‌ای تا دوران تاریخی و روزگار کنونی در متون مرجع، شامل آثار حماسی، غنایی، حکمی و عرفانی قابل پژوهش است. مسئله اصلی در این مقاله یافتن عناصر و موضوعات قدیم و پیش‌آمده تا اکنون (تکرار شونده) در بستر و جریان ادبیات قهرمانانه و شهادت‌خواهانه در دوره پس از پیروزی انقلاب اسلامی است که از آن تعبیر به دوره نوزایی انقلابی شده است. این پژوهش بنحوی شناخت جامع و تعریف کاملی از این گونه ادبی اسلامی ایرانی به دست میدهد.

روش مطالعه: در این پژوهشی به شیوه توصیفی-تحلیلی اشعار و دفاتر شعری یازده شاعر انقلاب مورد بررسی قرار گرفته و موتیفهای موجود در آن از حیث معنای شهادت احصا و تحلیل شده است.

تاریخ دریافت: ۲۱ فروردین ۱۴۰۱
تاریخ داوری: ۲۴ اردیبهشت ۱۴۰۱
تاریخ اصلاح: ۰۷ خرداد ۱۴۰۱
تاریخ پذیرش: ۲۵ تیر ۱۴۰۱

کلمات کلیدی:

ادبیات شهادت، اسطوره، موتیف، انقلاب اسلامی

* نویسنده مسئول:

s.hemmati22@pnu.ac.ir

☎ (۰۹۸ ۲۱)

یافته‌ها: بر پایه این پژوهش ادبیات شهادت از عناصر تکرارشونده مشخص در طول تاریخ آفرینشهای ادبی برخوردار و دارای ویژگیهای قابل تشخیص است.

نتیجه‌گیری: تمامی عناصر متنی (تاریخی) و ادبی (خیالی) شهادت از گذشته دور تا امروز تکرار شده‌اند؛ جزآنکه در بافت زمانی یا مکانی خاص رنگ باخته‌اند و دوباره در موقعیت نو رنگ و روشنی گرفته‌اند. بنمایه جاودانگی عنصر بنیادین و دال مرکزی در پدیده شهادت است و بازتابش آن در ادبیات بیش از دیگر موتیفها مشهود است.



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

Martyrdom literature in the era of revolutionary renaissance with emphasis on mythological elements

S. Hemmati

Department of Persian Language and Literature, Faculty of Persian Literature and Foreign Languages, Payam Noor University, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 10 April 2022

Reviewed: 14 May 2022

Revised: 28 May 2022

Accepted: 16 July 2022

KEYWORDS

martyrdom literature, myth, motif, Islamic revolution

*Corresponding Author

✉ s.hemmati22@pnu.ac.ir

☎ (+98)

ABSTRACT

BACKGROUND AND OBJECTIVES: The theme of martyrdom in the field of ancient sciences such as jurisprudence, mysticism and philosophy and new sciences such as sociology and law has been and is the subject of many debates. But in this literary topic, martyrdom is examined from the perspective of the myth of death awareness to understand immortality and the act of self-sacrifice, and the martyr in the image of the archetypal hero. Tracing the motif of martyrdom from the ancient and mythological past literature to the historical era and the present day in the reference texts, including epic, lyrical, religious and mystical works can be researched. The main issue in this article is to find old elements and themes that have appeared until now (recurring) in the background and flow of heroic and martyrdom literature in the period after the victory of the Islamic Revolution, which has been interpreted as the period of revolutionary renaissance. This research provides a comprehensive understanding and a complete definition of this Iranian Islamic literary genre.

METHODOLOGY: In this research, the poems and poetry notebooks of eleven poets of the revolution were examined in a descriptive-analytical way, and the motifs in them were counted and analyzed in terms of the meaning of martyrdom.

FINDINGS: Based on this research, martyrdom literature has certain repetitive elements throughout the history of literary creations and has recognizable characteristics.

CONCLUSION: All textual (historical) and literary (imaginary) elements of martyrdom have been repeated from the distant past until today. except that they have lost their color in a specific time or place and have regained color and brightness in a new situation. The symbol of immortality is the fundamental element and central signifier in the phenomenon of martyrdom, and its reflection is more evident in literature than other motifs.

DOI: [10.22034/bahareadab.2023.16.6848](https://doi.org/10.22034/bahareadab.2023.16.6848)

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 9	 0	 0

مقدمه

پس از باور به الوهیت و نقش و تأثیر خدایان آسمانی بر زندگی زمینیان، که از آن به مینیو (صاحب قدرت یاری و افزایش و حمایت و سود ر ساندن) تعبیر می‌شود؛ پهلوانی و قهرمانی همزاد زیست و منش کهن ایرانی است. سرزمین ایران از دوره باستان تا امروز کهن‌الگوی قهرمان را در خود پرورانده است. سلسله حکمرانیهای چند هزار ساله از دوره پیشاتاریخ که جیانیان و یا سایبان بر ایران فرمان میراندند تا زمانه پیدادبان و کیانیان و سپس عصر هخامنشان و سلوکیها و اشکانیان تا دودمان ساسانیان، صدها قهرمان افسانه‌ای و اهریمن افسونگر و دهها سردار سرافراز و حکمران نجاتبخش یکی پس از دیگری برخاستند و افتادند.

از منابع تاریخی و ادبی برمی‌آید که ایران مرکز یکی از بزرگترین و قدرتمندترین امپراتوریهای جهان بوده که هم با اهریمن یورشگر و ستیزه‌خو به مقابله برخاسته و هم بمنظور گشایش سرزمینها و بسط فتوحات، به لشکرکشی و زورآزمایی پرداخته است. منابع و مراجعی که به کار شناخت اوضاع و احوال مردمان کهن این سرزمین و پهلوانان روین‌تن ایران زمین بیاید، گرچه بسیار و بسنده نیست، اما آنقدر هست که پژوهشهای علمی وامانده نشود. از عامیانه‌ها تا نامه‌های پهلوانی و متون دینی و کتب مقدس سرشار از معانی و مضامین اسطوره‌ای هستند. عناصر معنایی این دوره برخی وام‌گرفته و مقتبس از دیگر سرزمینهای فاتح و مفتوح است و برخی آفریده کنش و بینش ایرانی. افزون بر اندیشه‌های زرتشتی و باورهای زروانی، اندیشه‌های ایرانی در پیکر کیش و آیین مهر در ایران و نسخه اروپایی آن میترائیسم، به جهان آن روز شناخته شده است. این باور کهن آریایی که شاید به روزگار پیش از زرتشت برمیگردد، پس از زرتشت از رونق افتاد؛ ولی ماندگار شد و حتی بر بخشی از آموزه‌های اوستا تأثیر گذاشت. ارمغان تبار ایرانی در روزگار ساسانیان، گشودن افقی نوین در گفتمان برجسته و جنجالی «سرچشمه قدرت و حقانیت حکومت» بود. اندیشه ایرانی گره دوگانگی سرچشمه قدرت (قدرت از منشأ خدایی و یا قدرت از منشأ زمینی و انسانی) را با ارائه نمودن نظریه همزاد بودن دین و دولت گشود. در این اندیشه دین و دولت یکی نبودند ولی در کنار یکدیگر جامعه را راهبری میکردند (نژاد، ۲۰۱۵: ۵۱).

در دیدگاه ایرانی پیش‌نیاز بنیادین برای فرمانروایی (خدایگانی) داشتن «فرّ» بود. این واژه در اوستا «خور» است به معنای درخشندگی و تابندگی و در اصل نیرویی است که در گوهر یک فرد نهفته است و او را شایسته رهبری میکند. سرچشمه فرّ کیانی، ایزدی است. در سنگ‌نبشته بیستون آمده است: آنچه من کردم همه به خواست اهورامزدا کردم. عصمت (بی‌لغزشی و بیگناهی) و وراثتی بودن فرّ و خودکامگی در نگاه ایرانی وجود نداشته است و در سنت ایران‌شهری، سرداران و سپهسالاران نباید به تاج و تخت دست یازند؛ همانگونه که گردیه از برادرش بهرام چوبینه میخواهد بدعت دست‌اندازی به تاج و تخت را رواج ندهد. عقل زیر چتر اخلاق همان خردی است که لازمه فرّ کیانی است و برای پیکار با دیوان و اهریمنان کارساز است.

پس از هجوم اعراب و حاکمیت خلفای مسلمان بر ایران، نگرش ایرانیان زیرورو شد و این باژگونگی در هر دوره، رنگ‌وبوی جداگانه گرفت. سرزمین ایران در دوره اسلامی همچون عصر پیشین، صحنه منازعات قومی، میهنی، منطقه‌ای و حتی جهانی بوده است. جنبشها و جهاد اسلامی یکی پس از دیگری روی داده و بدینسان مفهوم «شهادت» شکل گرفته و توسعه یافته است. «شهید» در قاموس لغت اسلامی کسی است که با حضور در معرکه و جدال با دشمنان خداوند، جان خود را از دست داده باشد. این مفهوم دارای سیر مراحل تحوّل و تطوّر معنا است.

در نخستین ساعات پس از درگذشت پیامبر اسلام (ص)، اختلاف در جانشینی ایشان بروز کرد. شیعیان که معتقد به جانشینی خویشاوند نزدیک ایشان، علی ابن ابی طالب (ع) بودند، نخست ایشان را بعنوان خلیفه و سپس ولی و امام مسلمین شناختند و در احکام و روایات خود، برخی مفاهیم چون عدالت و شهادت را بازتعریف کردند. خلفای را شدین چهار نفرند و بیست و نه سال و سه ماه خلافت کردند. بنی‌امیه سیزده نفرند و نود و دو سال حکومت کردند و بنی‌عباس سی و هفت نفرند و پانصد و بیست و چهار سال خلافت کردند.

شیعیان مقاتله و مجاهده را با نگاه و اندیشه خود توصیف کردند و از شهید تعریفی نو ارائه دادند. در اندیشه شیعیان شهید کسی است که با اذن امام زمانش در معرکه حاضر شود و جان خود را از دست بدهد. برای پایداری و پابندی این قید، پس از پایان دوران امامت و طرح مسئله امام غایب، فرماندهی جهاد و اذن شهادت به نایبان ائمه و رهبران جوامع شیعی واگذار شد و تا کنون نیز چنین است. مضمون شهادت در عرصه علوم قدیم چون فقهات، عرفان و فلسفه و دانشهای نو چون جامعه‌شناسی و حقوق موضوع مباحثات فراوان بوده و هست؛ ولی در این پژوهش، شهادت از منظر اسطوره مرگ‌آگاهی برای درک جاودانگی و کنش خود قربانی کردن؛ و «شهید» در شمایل کهن‌الگوی قهرمان بررسی میشود. ردیابی موتیف شهادت در ادبیات گذشته باستانی و اسطوره‌ای تا دوران تاریخی و روزگار کنونی موضوع این پژوهش است. متون مرجع، شامل آثار حماسی، غنایی، حکمی و عرفانی است. توجه به این نکته ضروری است که ادبیات در ایران عمدتاً خلاصه در شعر است و داستان از بُعد حجم، نوع و تنوع مضامین بسی کمیابتر از شعر است و هر پژوهشی که بخواهد منجر به ارائه نظریه ادبی بشود، باید عمدتاً مبتنی بر شعر باشد تا نثر.

ادبیات فارسی در باب مضامین اسطوره‌ای، تعبیری متفاوت از سایر فرهنگها به دست میدهد و به همین سیاق از مضمون «قدرت و قدرتمندی» تعبیراتی دیگرگونه دارد. قدرت پادشاهان که از آن به «جاه و جاه‌طلبی» تعبیر شده، نزد ادبا مورد نقد قرار گرفته است. ناصر خسرو گوید:

دانش به از ضیاع و به از جان و مال و ملک این خاطر خطیر چنین گفت مرا

دلیل این رویکرد آن است که پادشاهان، قدرت را برای استحکام پایه‌های حکمرانی خود میخواستند و این قدرت مایه تحدید آزادیهای مردم است. سعدی پادشاه را در برابر خداوندگار قرار میدهد: «پادشاهی پارسایی را دید گفت هیچ از ما یاد می‌آید؟ گفت بلی؛ وقتی که خدا را فراموش کنم». «به همین دلیل است که عرفان ایرانی بیش از آنکه واکنش در برابر مال پرستی باشد، واکنشی در برابر قدرت است؛ از اینرو غالباً در برابر درویش، پادشاه می‌آید نه قارون یا مالک و امثال این کلمات» (رحیمی، ۱۳۶۹: ۱۱۹). تمثیل بازرگان، کالا و گنج بمنزله حواری یا عارفی است که در پی آزاد کردن روح و رستگاری آن است. متون گنوسی حتی از این هم فراتر رفته، بازرگان را به گونه‌ای استعاری همان ملکوت پدر یا خداوند به شمار آورده که گنج بسیار داشت و از میان آنهمه گنج، تنها یگانه مرواریدی را نگه داشت که از پاره‌های روح قدسی و ازلی بود: «ملکوت پدر بر سان بازرگانی / که بس گنج داشت و مرواریدی یافت / او بازرگانی هوشمند بود / چونان که داراییش را همه بفروخت / و تنها مروارید را از آن خویش کرد / شما نیز در پی گنجی هستید که از میان نرود / گنجی در جایی که بیدهایش نخورند / و کرمهایش فاسد نکنند» (اسماعیل‌پور مطلق، ۱۳۹۸: ۴۵ - ۴۴).

و حافظ دهها قرن پس از آن چنین گوید که:

گوهری کز صدف کون و مکان بیرون بود طلب از گمشدگان لب دریا میکرد

اما این تعبیر حافظ صرفاً ملهم از اندیشه‌های کهن نیست؛ چراکه در قرآن کریم هم معاملهٔ جان با خداوند آمده: «ان الله اشترى من المؤمنين انفسهم و اموالهم بأن لهم الجنة يقاتلون في سبيل الله فيقتلون و يقتلون وعدا عليه حقا في التورات و الانجيل و القران و من اوفى بعهده اى من الله فاستبشروا ببيعكم الذى بايعتم و ذالك هو الفوز العظيم» (توبه / ۱۱۱). خداوند از مؤمنان جانها و اموالشان را خریداری کرده که (در برابرش) بهشت برای آنها باشد (به این گونه که) در راه خدا پیکار میکنند، میکشند و کشته میشوند. این وعدهٔ حقی است بر او که در تورات و انجیل و قرآن ذکر فرموده و چه کسی به خدا به عهدش وفادارتر است؟ اکنون بشارت باد بر شما به دادوستدی که با خدا کرده‌اید؛ و این است آن پیروزی بزرگ.

اکنون باید دید که آیا ادبیات شهادت‌خواهی مبتنی بر آموزه‌های دینی، خود چه اندازه مضمون‌آفرینی کرده است و چه اندازه از محتواهای پیشین در خود جای داده است؟ اسطوره‌های گذشته چه اندازه و چگونه خوانش جدید شدند و کدام مضامین، کمیاب یا پنهان گردیدند؟ مسئلهٔ اصلی در این پژوهش یافتن عناصر و موضوعات قدیم و پیش آمده تا اکنون (تکرارشونده) در بستر و جریان ادبیات قهرمانانه و شهادت‌خواهانه است؛ بنحوی که شناخت جامع و تعریف کاملی از این گونهٔ ادبی ایرانی به دست دهد.

سابقهٔ پژوهش

درمورد مضامین و ادبیات شهادت در ایران و جهان، تحقیقاتی چند صورت گرفته است. در داخل کشور پایان‌نامه‌ها، مقالات و کتب فراوان به این موضوع مختص شده است. بدلیل رایج بودن موضوع در دورهٔ معاصر در سطح منطقه‌ای و جهانی و نیز حمایت‌های حکومتی در دهه‌های گذشته در داخل ایران، صدها فقره پژوهش و هزاران عنوان کتاب با این موضوع نگاشته شده و اصطلاحاتی چون ادبیات جنگ، ادبیات اسارت، ادبیات پایداری، ادبیات مقاومت، ادبیات جانبازی، ادبیات دفاع مقدس، ادبیات تبعید، ادبیات انقلاب، ادبیات عاشورایی، ادبیات مهاجرت، ادبیات اردوگاهی، ادبیات زندان، و ادبیات تسلیم بر سر زبانها افتاده و بموجب آن همایشهای فراوان علمی و ترویجی برگزار شده و کتابخانه‌های تخصصی شکل گرفته است. با این حال اصطلاح «ادبیات شهادت» کم‌کاربردتر از بقیهٔ عناوین و اصطلاحات رایج شده است؛ زیرا شهادت نه موضوع که مایه و مضمون اصلی همهٔ گونه‌هایی بود که نام برده شد. بنا به تحقیق، برای نخستین بار در سال ۱۳۸۸ همایشی با عنوان «ادبیات شهادت» توسط بنیاد شهید انقلاب اسلامی برگزار و طی این همایش، اصطلاح ادبیات شهادت خلق و بر زبان استادانی چون حسن حسینی رفت. تعدادی از صاحب‌نظران، نویسندگان و شعرا در این همایش سخنرانی کردند و بیش از تحلیل و چونی، به توصیف و چندی آن پرداختند. پس از آن نیز دیگر این اصطلاح نوشته و شنیده نشد. دسته‌ای از پژوهشهای دانشجویی و آثار پژوهشگاهی با موضوع شهادت در آثار ادبی نیز انجام و انتشار یافته است که عمدتاً تحلیل محتوا یا شرح و نقد چند اثر شعری یا داستانی هستند. نگارنده نیز در سال ۱۳۹۵ از رساله‌ای با عنوان «ادبیات شهادت در آثار دههٔ اول انقلاب اسلامی» در دانشگاه تهران و در مقطع دکتری دفاع کرد.

در حوزهٔ پژوهشهای خارجی باید به این نکته اشاره کرد که فهم غریبها از مقولهٔ شهادت چندان منطبق با فهم ایدئولوژیک ایرانی نیست؛ ضمن اینکه دربارهٔ بیشتر جوانب موضوع دست به قلم برده اما دربارهٔ وجه ادبی و اسطوره‌ای شهادت مقاله‌ای ارائه نکرده‌اند. این آثار قابل اشاره و معرفی هستند:

سیلویا سودیکوسکا (sylwia surdykowska) استاد مطالعات ایران در دانشگاه ورشو لهستان کتابی تألیف کرده با عنوان «نقش شهادت و قربانی در الگوی فرهنگ ایرانی، تحلیل ایده شهادت مبتنی بر آثار مذهبی و معاصر». این اثر به زبان انگلیسی نوشته شده و هنوز فرصت ترجمه نیافته است. او در معرفی کتابش مینویسد: مفهوم شهادت که مناقشاتی در جهان امروز غرب ایجاد کرده است در فصول پی‌درپی این کتاب آمده و منشأ تحول مفهوم شهادت در فرهنگ فارسی مورد بحث قرار گرفته است. همچنین فرایند شکلگیری نگرشی منتهی به آمادگی برای پذیرش شهادت و نقش آن در تبلیغات و مفهوم امروزش بررسی شده است. مواد تحقیق از آثار کسانی که تأثیر چشمگیری در آگاهی مردم ایران داشته‌اند فراهم شده است. این اثر، کتابی میان‌رشته‌ای است و سهمی از لغت‌شناسی، مطالعات ادبی، مردم‌شناسی فرهنگی و روانشناسی اجتماعی را در خود دارد.

ماریک بیز (Beez, Mareike) از رساله دکتری با عنوان «گفتمان شهادت در شیعه دوازده‌امامی در ایران قرن ۱۹ و ۲۰»، در دانشگاه آزاد برلین دفاع کرد. این رساله در سال ۲۰۱۳ در رشته مطالعات تاریخ و فرهنگ به زبان آلمانی نگاشته شده ولی هنوز برگردان نشده است. خلاصه‌ای از موضوعات مندرج در این رساله هشت‌بخشی به این شرح است: طرح شهادت در دوره نخستین اسلام / مرگ فجیع حسین بن علی در نبرد کربلا / ژانر مقتل: تاریخ‌نگاری ادبیات عزاداری و بحث بر سر اسرارالشهادت / نویسندگان اواخر دوره پهلوی و آثارشان / مرتضی مطهری، روشنفکر اصلاح‌طلب دینی و نظریه‌پرداز سیاسی / شریعتی گواهی بر اوضاع غیرقابل تحمل / شهادت بمنزله وفا به عهد با خدا / کارکرد رهایی‌بخش مراسم عزاداری / مفهوم شهادت از حیث آخرت‌شناسی / شهادت با نظر به الهیات آزادی‌بخش و جهان‌سوم‌گرایی.

دیوید کوک (David Cook) در مجموعه‌ای با عنوان جهاد و شهادت (jihad and martyrdom) تعداد ۵۸ عنوان مطلب و مقاله را در قالب دو جلد کتاب در مجموع ۴۵۰ صفحه به زبان انگلیسی در سال ۲۰۱۰ منتشر کرد. برخی عناوین مطالب و مقالات به این شرح است: اختلاف و حل و فصل آموزه‌های قرآنی درباره جنگ / شهادت، خودکشی و قانون جنگ اسلامی / جهاد در شعر عربی قرن دوازدهم برای مقابله در جنگهای صلیبی / شهادت عاشقان پرشور بمثابة عروسی مقدس / اسطوره شهادت در عراق. این کتاب هم به فارسی ترجمه نشده است.

بحث و بررسی

موتیفها و بافتها: این مقاله در پی معرفی دسته‌ای موضوع (subject) و موتیف (motif) و عناصر تکرارشونده و برانگیزاننده (لایت موتیف) در متون ادبیات خودقربانی‌کردن و شهادت‌خواهی در زبان فارسی و تحلیل معنایی آن است. این ادبیات در یک دوره طولانی تاریخی و فضاهای مختلف گفتمانی پدید آمده است. عناصر مهمی که کارکرد موتیف دارند و در آفرینشهای ادبی بصورت خودآگاه یا ناخودآگاه مورد استفاده نویسنده، شاعر و هنرمند قرار گرفته‌اند به شرح ذیل است. این عناصر در پژوهش حاضر با قواعد درون‌مایه‌شناسی (thematologi) مورد نقد و تحلیل قرار میگیرند شامل: جاودانگی (میل به نامیرایی)، شخصیت (قهرمان، مبارز و شهید)، قدرت (رویارویی با خطر، پیروزمندی، آزادی)، عشق (دلداگی، ازخودگذشتگی، جانبازی و فداکاری)، رخداد (مبارزه و رویداد منجر به مرگ و شهادت)، موقعیت (میدان مبارزه و شهادت)، باور و عقیده (باور یک قهرمان و عقاید او)،

ویژگی بارز قهرمان (ویژگیهای ظاهری قهرمان) و مضمون و موضوع مکرر، باور مسلط (باور جمعی از قهرمانان) است.

برای ارائه تعریفی دقیق، جامع‌نگر و اسطوره‌شناسانه از ادبیات شهادت، مباحث در شش مقوله ذیل که در حکم بافت و زمینه آفرینش ادبیات شهادت هستند، صورت‌بندی (articulation) شده است. بافت در این معنا گسترده‌تر از context است. این بافت شامل محیط زبانشناسی هر عنصر زبانی میشود و آن را environment یا محیط مینامند؛ بدین معنا که قبل از یک عنصر زبانی و پس از آن، اجزای زبانی دیگری آمده باشد. ممکن است در این حالت از اصطلاح بافت کلامی (context verbal) استفاده شود؛ یا در بُعد بررسی رابطه رفتار زبانی و رفتار اجتماعی از context social استفاده میشود. در این روش داده‌های مشترک گیرنده و فرستنده بر اساس وضعیت فرهنگی و روانی، تجربه‌ها و میزان شناخت هریک از آنها بررسی میشود (کهنمویی پور، ۱۳۸۱: ۷۸). بایسته است مقولاتی که در ذیل آورده میشوند، در پژوهشهای دانشگاهی و حوزوی بشكل جامع مورد مذاقه قرار گیرد و از حیث ارتباط معنایی و عناصر مشترک زبانی، ادبی و اسطوره‌ای و رابطه طولی با همدیگر بحث شود. هریک از این مقولات با تأثیرگذاری بر اندیشه‌های جمعی و فردی ایرانیان در طول اعصار و ایجاد گفتمان و خرده‌گفتمانها، منبع آفرینش ادبی و الهامبخش خلاقیت‌های هنری شده‌اند:

۱) کهن‌الگوی جهانی (archetype): در زبان فارسی به «سرنمون» تعبیر شده و در اصطلاح صورت‌آزلی و اساطیری است حاصل محتویات ناخودآگاه جمعی و سرشتهای مادرزادی نوع بشر فارغ از ملیت و نژاد. کهن‌الگوها دربردارنده حقیقتی سپنتا هستند که در آغاز آفرینش بر انسان پدیدار شده‌اند و رفتارهای انسانی ازپیش‌تعیین‌شده را در ناخودآگاه آدمی رقم زده‌اند. کهن‌الگوها میتوانند در معنای موتیف و تپس (topos) در طول زمان تکرار و به اشکال مختلف بازآفرینی شوند.

۲) حکمت پهلوانی: مجموعه‌ای از محتویات ایران باستان در حوزه جنگاوری و پهلوانی است. آزادگی، خردورزی، دادپیشگی، پیشروی، جوانمردی، بهره‌جویی از هستی، گرایش به تازگی و شجاعت از بنیانهای حکمت پهلوانی است. نفی نیروی مستقل از خداوندگاری و فرماندی به معنای رسیدن انسان به مرتبه‌ای که هستی، وی را در دشواریها یاری کند و نیز ذیل سایه حکمت خسروانی اسب تاختن و سر باختن از دیگر بنیانهای این حکمت است. ۳) جهاد اسلامی: احکام و آموزه‌های قرآن درباره غزوات، جنگها و فتوحات که از جانب خداوند یکتا به زبان وحی و در صورت آیات به پیامبرش حضرت محمد (ص) نازل گردید؛ همچنین روایات و احادیث ایشان در طول ۲۳ سال پیامبری مسلمین در این باب و نیز تعابیر، تأویلات و تفاسیر خلفای راشدین و جانشینان وی محتویات جهاد اسلامی را شکل داده است.

۴) شهادت‌طلبی شیعی: پس از رحلت پیامبر اسلام، نزاع بر سر جانشینی وی درگرفت. گروهی میل به عبدالله‌بن ابی‌قحافه ملقب به ابوبکر صدیق یار نزدیک، مشاور سالخورده و خویش (پدر همسر) پیامبر نمودند؛ اما دیگری هم بودند که علی‌بن ابی‌طالب (ع) یار نزدیک، میداندار غزوات و داماد پیامبر را برای این منصب اصلح دانسته و رخداد غدیر را گواه بر عقیده خود فرض کردند و مشهور به شیعیان یا حزب علی شدند.

۵) انگاره‌های اعتراضی: کشور ایران بجهت عوامل متعدد و بافت جغرافیایی، تاریخی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی در طول زمان میدان منازعات و مشاجرات در سطح محلی، ملی، منطقه‌ای و جهانی بوده است. پیشینه تمدنی کهن، طوایف و تفکرات متعدد، هجوم فرهنگها و کالاهای فرهنگی و گذر اندیشه‌ها از این مرز و بوم، تاخت و تازها و دست‌به‌دست شدن حکومتها، ایران را کشوری همیشه‌ملتهب و ایرانیان را انسانهایی جنبش‌آفرین و

معترض بار آورده است؛ اعتراض به گذشتگان، اعتراض به اوضاع فعلی و اعتراض به شرایط آینده، این کشور را در ناآرامی دائمی گرفتار کرده است.

۶) نوزایی انقلابی: در پی جنبش و اعتراض دینی، مدنی و حتی مسلحانه در دهه‌های چهل و پنجاه، انقلاب سال ۱۳۵۷ مردم ایران منجر به سرنگونی حکومت پادشاهی محمدرضا پهلوی شد و آیت‌الله روح‌الله خمینی، مرجع شیعه، فرصت یافت به پایه‌گذاری نوعی حکمرانی مذهبی بر پایه اندیشه‌های تشیع و نظریه ولایت فقیه اقدام کند. دیری نپایید که لشکرهای عراق به فرماندهی صدام حسین که رهبری حزب عربی سوسیالیستی بعث را به عهده داشت، از مرزهای غربی ایران وارد خاک کشور شدند. در مناطق دیگر مرزی و برخی سرحدات طایفه‌نشین نیز سوادای استقلال‌طلبی بالا گرفت و اینهمه باعث شد جنگ و خونریزی در سراسر ایران و برای مدت نسبتاً طولانی جریان یابد. حدود دویست و سیزده هزار شهید و پانصد و پنجاه هزار جانباز و چهل و دوهزار اسیر از سمت ایران، حاصل جنگ هشت ساله ایران و عراق شد. از آن پس نیز تا امروز که چهل سال را پشت سر گذاشته‌ایم، همچنان میدانهای منازعه در داخل و خارج از کشور، بازار شهادت را گرم نگه داشته است. جنگ با داعشیان در مناطقی از خاک سوریه و عراق میتواند آخرین نبرد قابل ذکر در دوره چهل ساله اخیر باشد. در این چهار دهه حجم وسیعی از ادبیات شهادت خلق شد و صدها دفتر شعر و داستان در موضوع جنگ و شهادت منتشر گردید. ادبیات شهادت مربوط به دوره اخیر با توجه به جمیع مختصات شکلی و معنایی در این پژوهش به نوزایی انقلابی تعبیر گردید.

بررسی ادبیات شهادت در دوره نوزایی انقلابی

با این مقدمه به بحث درباره ادبیات انقلاب اسلامی ایران میپردازیم. مرور تاریخ و سپس ادبیات این دوران از ابتدا تا کنون با رویکرد هویتی و اسطوره‌شناسی بسیار مهم و ضروری است. بنابر آنچه از سوی برخی کارشناسان فرهنگی و اجتماعی مطرح میشود، ایران این عصر دارای بحران هویت ملی قلمداد میشود. پیدایش برخی مشکلات برای هویت پساانقلابی معلول عوامل چندی است. در شکل کلی بایستی تغییرات اجتماعی را عامل آنها دانست؛ اما در شکل تفصیلی تغییر عمده به انتقال از شرایط انقلاب و دفاع مقدس به شرایط تثبیت و بازسازی مربوط است. مشکلی که از این ناحیه به وجود آمد ناشی از عدم آمادگی این گفتمان برای شرایط متفاوت با شرایط انقلابی جهاد و مبارزه بود. گفتمان هویتی سنت برغم ریشه‌داری تاریخی و اتکا به منابع هزار و اندی ساله، قابل انتقال درست و متصلبانه به دوران آرامش و سازندگی نیست. این مشکل از این جهت صورت بحرانی یافت که در اذهان، انسان مطلوب، انسانی ایثارگر، بی‌اعتنا به جان و مال، زاهد و کاسب فضایل و عاشق لقاءالله تصویر شده بود. این تصویر که انسانی مناسب با شرایط مبارزه و جهاد را نشان میداد همان هویتی بود که در گفتمان سنت در انطباق با شرایط ماقبل انقلابی و جنگ تحمیلی بر آن دست گذاشته شد. هنگامیکه این شرایط پایان یافت و شرایط جدیدی متفاوت با شرایط ستیز به وجود آمد، با توجه به عدم آمادگی گفتمان سنت و تأکیدی که در آن بر انسان نوعی ادیان تأکید می‌شد این طور به نظر میرسد که دیگر این هویت برای اوضاع و احوال جدید کارایی ندارد. گفتمان هویتی ایران در دوران اخیر هویت، ترکیبی است از هویت اسلامی، هویت ایرانی و هویت غربی (تجدیدی).

با شروع جنگ ایران و عراق، بازار خلق ادبیات شهادت چنان گرم شد که در طول تاریخ بیسابقه بود. تعداد زیادی از شاعران و نویسندگان در سراسر کشور به سرودن شعر شهادت و خلق داستان و متون ادبی پایداری پرداختند و صدها عنوان کتاب و نشریه در این مضمون منتشر کردند. پس از پایان جنگ شاعران همچنان در پاسداشت شهدا

و زنده داشتن نام و یاد آنان به خلق اثر پرداختند و در عرصه‌های دیگری از شهادت‌طلبی مانند شهادی حرم طبع‌آزمایی کردند.

شعر اسطوره‌ای شهادت پس از انقلاب

مصطفی کریمی که به بررسی مفهوم شهادت با رویکرد تحلیل گفتمان پرداخته و به دوره زمانی جنگ هشت‌ساله با عراق توجه داشته است، مینویسد: «شهادت یکی از ارزشهای اصلی و تکثیرشده در عرصه اجتماعی ایران زمان جنگ بود که در یک پروسه دیالکتیکی، الگوی رایج مرگ در دوران مدرن را متحول کرد، الگویی که با شهادت صورت‌بندی شد» (کریمی، ۱۳۹۴: ۱۷). وی اشاره میکند که مرگ در زمان جنگ تحمیلی در قالب گفتمان اسلامی در منطقی هم‌ارز با امر قدسی فهمیده شده است و بر اساس همین نیز باید تلاش شود دالهای معنادهنده به شهادت، از منطق گفتمان اسلامی استخراج شود. قالب معنایی شهادت روند مرگ‌زدایی‌شده جامعه مدرن را به چالش کشید و نوعی زیستن هم‌ارز با مرگ را صورت‌بندی کرد. در این قالب در نوعی بینامتنیت چندصدایی و تلفیقی شامل گزاره‌های مدرن مذهبی، چگونه زیستن را با چگونه مردن، معنا میکنند (همان: ۱۸). این اشعار از مجموعه‌هایی انتخاب شده که شعرهای ماندگار انقلاب و جنگ را دربر دارند:

عباس احمدی: در شعر زیر آنچه میتواند موضوع بحث قرار گیرد شخصیت «سید» است که معنایی اسطوره‌ای دارد. سید در فرهنگ تشیع، مضمونی از نژادگی دارد؛ حس احترام و اعتماد را برمی‌انگیزد و خون اجداد طاهرینش در او جاری است. در سیادت ایرانی معنایی از عربیت نیست. سید تصویری دینی و متخلق از لشکر ارائه میدهد:

خط دوم شکست فرمانده، احتمال شکست بسیار است

پس مهماتمان چه شد سید؟ هیچ امید هست؟ بسیار است

روزهای حماسه و ماسه، بوی باروت و ام‌یک و ژسه

داغ سیصد هزار لاله سرخ به گمانت کم است؟ بسیار است

دهه بیهویت هشتاد، بامها در تصرف بشقاب

داخل آلبومش ولی عطر دهه سرخ شصت بسیار است. ... (شعر شهادت، ۲۰۲)

علیرضا قزوه: وزن بلند و آهنگ‌گند این غزل، تصویری از مجاهدت ایرانی را نمایش میدهد. حسرتی که پس از پایان معرکه و دلتنگی‌ای که برای شور و شعف و جانبازی و شهادت‌طلبی پس از دوران جنگ، بر دل بازماندگان و جاماندگان مستولی میشود، در این شعر نمایان است. عشق عنصری است که در این غزل وضوح دارد. روزگار حزن‌اندود با یادی از چاه و علی (ع) درمی‌آمیزد. «چاه» در فرهنگ ایرانی و اسلامی تعبیر متعددی دارد که یکی از آنان شنودگی رازها و دردلهای قهرمانان است:

در کوله‌بار غربتم یک دل از روزهای واپسین مانده است

عباسهای تشنه لب رفتند، لب تشنه مشکی بر زمین مانده است

من بودم و او بود و گمنامی، نامش چه بود انگار یادم نیست

بر شانه‌های سنگی دیوار، نام تو ای عاشقترین مانده است... (همان، ۶۶)

غربت بر اساس رمز سفر و هجرت آفریده شده است. غربتی متضمن سفر از جای مألوف به جای نوست. غریب‌آزاری و غریب‌نوازی در ادب حماسی جای دارد. در ادب عرفانی نیز غربت نتیجه سفری است که آدمی را از دیگران عبور داده است:

دگر گفתי مسافر کیست در راه کسی کو شد ز اصل خویش آگاه
مسافر آن بود کو بگذرد زود ز خود صافی شود چون آتش از دود

(شبستری، ۱۳۸۶: ۹۶)

حمید سبزواری: حمید سبزواری با زبانی آرکائیک، امروز را به گذشته باستانی پیوند میدهد و جنگ را از حد مرزهای ایران و عراق فراتر میبرد و آهنگ آزادی قدس را میسراید:

وقت است تا برگ سفر بر باره بندیم	دل بر عبور از سد خار و خاره بندیم
از هر کران بانگ رحیل آید به گوشم	بانگ از جرس برخاست وای من خموشم ...
گاه سفر شد باره بر دامن برانیم	تا بوسه‌گاه وادی ایمن برانیم
وادی نه ایمن هان مگو باید سفر کرد	از هفت وادی در طلب باید گذر کرد
وادی نه ایمن رهنمان در رهگذارند	بیم حرامی نیست یاران هوشیارند
وادی نه ایمن جاده هموار است ما را	امید بر عزم جلودار است ما را
وادی پر از فرعونیان و قبطیان است	موسی جلودار است و نیل اندر میان است
تکریتیان صد دام در هر گام دارند	راه‌آشنایان، ره به مقصد میسپارند ...

(شعر شهادت، ۵۵)

حسن حسینی: غلم و تیغ واژه‌های کهن حماسی هستند. مبالغه مرسوم در شعر حماسی با تیغ شهاب‌ریز به کمال رسیده است. کاربرد خورشید در وجه قهرمانانه و از میان‌برنده شب بار اسطوره‌ای شعر را افزون کرده است. «سینه‌خیز» اصطلاحی نو است که دیروز باستانی را به امروز گره زده است:

وقتی غلم ستیز بالا میرفت	صد تیغ شهاب‌ریز بالا میرفت
خورشید به قصد حمله بر شب از کوه	آهسته و سینه‌خیز بالا میرفت

(همان، ۱۱۱)

شعر دیگری از این شاعر:

بیا عاشقی را رعایت کنیم	ز یاران عاشق حکایت کنیم
از آنها که خونین سفر کرده‌اند	سفر بر مدار خطر کرده‌اند
حکایت کنیم از تباری شگفت	که کوبید درهم حصاری شگفت
از آنها که پیمانۀ لا زدند	دل عاشقی را به دریا زدند
ببین خانقاه شهیدان عشق	صف عارفان غزلخوان عشق
چه جانانه چرخ جنون میزنند	دف عشق با دست خون میزنند ...

(همان، ۴۸)

سهیل محمودی: شاعر از واژه‌های شعر حماسی چون صخره و دریا و بویژه دماوند استفاده میکند و در کاربرد اسطوره دماوند، اعرافی نو و زیبا به کار میبرد:

دلم شکسته‌تر از شیشه‌های شهر شماست	شکسته باد کسی‌کاین چنینمان میخواست
شما چقدر صبور و چقدر خشم‌آگین	حضورتان چو تلاقی صخره با دریاست
به استواری معیار تازه بخشیدید	شما نه مثل دماوند او به مثل شماست

بیا که از همه دشتها سؤال کنیم کدام قله چنین سرفراز و پابرجاست ...

شاعر در ادامه غزل، صراحتاً به آمیختن مضامین عرفانی در بنمایه‌های حماسی اشاره دارد:
 میان معرکه لبخند میزنید به عشق حماسه چون به غزل ختم میشود زیباست ...
 (همان، ۳۸)

احمد عزیزی: احمد عزیزی در دفتر شعرش «کشفهای مکاشفه» به نام قهرمانان اسطوره‌ای شاهنامه اشاره کرده و بیشترین تکرار مربوط به تهمینه، معشوق رستم و نماد دختر نجیب، است:

رخش اینجا معبر تهمینه شد بیدل اینجا غرق در آینه شد
 (عزیزی، ۱۳۹۰: ۴۱۲)
 دست تو در چشم من آینه بود شیر من از بیشه تهمینه بود
 (همان، ۲۲۲)

رودابه مادر رستم نیز در شعر احمد عزیزی نماد شجاعت، پاکی و عظمت است:
 قرن ما سرمایه رودابه‌هاست قوم ما سرچشمه رودابه‌هاست
 (همان، ۴۰)

زکریا اخلاقی: زکریا اخلاقی از روحانیون شاعری است که اشعار فراوانی در وصف ارزشهای انقلاب و دفاع مقدس سروده است. وجهه و اندیشه روحانیت، باعث شده در اشعار خود، نمادها و اسطوره‌های اسلامی را به کار برد. نگاه شاعر به شهادت نگاهی عاشقانه و عارفانه است. وی شهادت را گام نهادن در جاده‌ای زیبا بسمت آسمان تصور میکند و جایگاه متعالی شهید در دنیای برین و پسین را وصف میکند تا بدین واسطه شوق شهادت‌طلبی را در مردمان بیفزاید:

کس تماشا نکند منظره زیباتر ازین زیر شمشیر شهادت سحر انسان رفتی
 نرسد دعوت معشوق، فریباتر از آن نرود کس سوی آن کنگره زیباتر ازین
 (شعر شهادت، ۵)

مهرداد اوستا: شاعر در هر بیت از سروده خود به مضمون یا مصداقی اسطوره‌ای اشاره دارد. کاربرد اسطوره در سخن او و البته دیگر شاعران به اندازه و به گونه‌ای است که برای مخاطب عمومی قابل دریافت و گوش آشنا است.

غمت را بر دل و جان رهگذر باد	خیالت روشنی‌بخش نظر باد
جدا از روی تو پیوسته چون شمع	مرا هر دم زبانی شعله‌ور باد
شهادت را تو میر کاروانی	بر این صحرا ترا سیر و سفر باد...
ازین غم، خاطر سرگشته چون ابر	به گردون اشکبار و بی‌سپر باد
اگر جز در هوایت پر گشاید	همای خاطر بی بال و پر باد
هر آن کت آشیان زیروزبر کرد	مدامش خان و مان زیروزبر باد
ز شهبای سیاه ماتم تو	الهی، روزگارش تیره‌تر باد
دلم هر کو چنین خونین جگر خواست	مدامش قوت جان، لخت جگر باد...

(شعر شهادت، ۳۷)

محمدحسین بهجتی: شاعر، شهادت را سودایی سودآور می‌شناسد؛ چراکه تن بی‌ارزش را در ازای بهشت معامله میکند. او بشر را در برابر همنشینی با خداوند چون قطره‌ای در برابر دریا می‌شناسد. دریا اسطوره پهنآوری و سودرسانی است و اگرچه وسعتش بسی کمتر از خاک و خشکی است، از نوعی الوهیت برخوردار است و نمادی از عظمت است و در عظمت البته به پایه آسمان نمیرسد. او برای شهادت آیت‌الله مرتضی مطهری سروده است:

ای بسا سود که عشاق ز سودا بردند عاقبت قطره‌صفت رخت به دریا بردند...
همه شب چون لب عالم ز نوا شد خاموش ناله شوق، ز دل تا به ثریا بردند
دولت عشق بنام، که شهیدان رهش گوی اعجاز و کرامت ز مسیحا بردند
(شعر شهادت: ۵۴ و ۵۵)

سیدعبدالله حسینی: استفاده از اسطوره‌هایی چون کاوه آهنگر که برخاست و تخت هزارساله ضحاک ستم‌پیشه را واژگون کرد؛ و صاعقه که نماد جنگ آسمان با شیطان است، و غلم و پرچم که یکی نماد آیینی و دیگری نماد ملی است، ذهن انباشته شاعر از مضامین اسطوره‌ای را نمودار می‌سازد. در ابیات دیگر نیز میتوان عناصری از اسطوره‌های رازمندی و نیازآوری قهرمان در پیشگاه خدا (ربنای نهان)؛ شجاعت قهرمان (شیرمردی) و سفر قهرمان (بانگ رحیل) را دریافت:

گر کاوه رفت پتک گرانش هنوز هست فریادهای صاعقه‌سانش هنوز هست
افتاد گر علم ز کف آن سپاهدار پرچم به دست هم‌نفسانش هنوز هست
در خلوت شبانه گلدشتهای غرب پژواک ربنای نهانش هنوز هست
در نیمه‌های شب اگر او اشک شوق ریخت تأثیر اشکهای روانش هنوز هست
گر شیرمرد جبهه اسلام شد شهید بانگ رحیل راهروانش هنوز هست...
(شعر شهادت، ۸۴)

سلمان هراتی: جاری بودن اشاره به اسطوره آب و خون یا آب خون‌رنگ دارد. اسب و ققنوس اسطوره‌های جاندار و فانوس (روشنایی) اسطوره بیجان است. سلمان هراتی سروده است:

ای شهید ای جاری گلگون	جایت از پندار ما بیرون
رفته‌ای با اسب خونین‌بال	ای شهید ای مرغ آتش‌بال
حجله تو مثل یک فانوس	گشت روشن با پر ققنوس
نور تو در باغ گل پیداست	روشنی‌بخش شب یلداست
نام تو با آفتاب آمیخت	صبح را در خانه‌هامان ریخت
پنجره تا روی سرخت دید	مهربان شد خانه با خورشید
مثل باران زیر هر بوته	نام خوبت کرده بیتوته
باغها از نام تو سرشار	باغبان با یاد تو بیدار
روی دست سبزه میباری	در دلت دریا مگر داری
چون بهار آمد کنار رود	بوی گیسوی تو با او بود
ساده می‌آیی چنان باران	ساده می‌روی گل ریحان!
هر گل سرخی که می‌کاریم	زیر لب نام تو را داریم
ما تو را در قلبها جستیم	خواب را از چشمها شستیم

ای گل خوشبو تو را چیدند از بلند شاخه دزدیدند
(شعر شهادت، ۳۱۲)

نتیجه‌گیری

الف) شهادت مضمونی شگفت و چندوجهی است. امری خدایی است که در عالم انسانی حالتی فردگرایانه و نیز وضعیتی اجتماعی دارد. این معنا با ارجمندترین دارایی بشر در جهان که همانا جان عزیز است مربوط شده و نیز ربطی دارد به اندیشه آن جهانی و کهنترین آرزوی انسان که میل به جاودانه زیستن است. رزم‌آوری و ستیزگی مظهر و میدانی برای رخداد شهادت است و این عرصه یادآور نخستین روز از هستی است که هابیل به دست قایلِ شرور کشته شد. از خاک تا افلاک و تمامی زمان و مکان در این لفافه به طرزی شگفت پیچیده شده است. خود قربانی کردن در راه دیگری و برای هدفی مألوف، کهن‌الگویی جهانی است که با دیرینگی زیستن بشر در این جهان خاکی مقارن و مطابق است. این کنش انسانی هم‌زاد با بشر تا امروز پیش آمده و در همه زمانها و مکانها نقش‌آفرین بوده است؛ گو اینکه در هر جا و هر وقت به رنگی و طرزی نمود و بروز داشته است. عناصر شکل‌دهنده پدیده شهادت برخی هستگی دارند که از آن تعبیر به کهن‌الگو شد؛ و برخی پوستگی دارند که حکمت ایرانی خواندیمش و برخی رنگینه و لعابینه‌اند که آموزه‌های دین و مذهب آن را می‌سازند. شهادت نه مرگ سیاه که مرگی سرخگون است و از دیگر سو تفاوت است میان مرگهای سرخ جنگاوران در همه جای جهان با آنچه مذهب شیعه برای امر شهادت در ایران رقم زده است. برای قرار یافتن در جایگاه شهادت ضرورتها و ضروریاتی لازم است که در مقولات مشابه نیست.

ب) مباحث فلسفی و تاریخی و فقهی و سایر مبادی دانش در وادی شهادت قابل طرح و بسط است؛ لیک مضمون پیچیده شهادت جز بمدد ادبیات قابل وصف و تعریف و تبلیغ نیست. اساساً بشر توانسته است بمدد هنر و چاشنی ادبیات، رنج زندگی و سختی مرگ را بر خود هموار و چه‌بسا خوشایند سازد. تنها به مدد سلاح ادبیات میتوان هویت را زنده و موجودیت را پاس داشت. نام‌آوران شعر و داستان در قوالب حماسی و عرفانی و حکمی و جز آن، با دستمایگی همه صنایع ادبی و شگردهای زبانی در وصف عشق‌بازی قهرمانان و رزم‌آوری پهلوانان و فداکاری سربازان طبع آزموده و آثار فاخر آفریده‌اند. این قبیل آثار از جدال بز با نخل خرما در داستان درخت / سوری و سوختن شمع و پروانه در شعر عرفا گرفته تا رزم ساختن رستم و اسفندیار و سر باختن حلاج و شیخ حسن جویری و جان باختن حسین فهمیده زیر تانک آه‌نین‌پیکر عراقی امتداد و دامنه دارد. این دامنه فراخ و پُر رموز و این ازمنه بس دور و دراز را جز با نگاه اسطوره‌ای نمیتوان دید و دریافت. نظریه ادبی شهادت جز با روش و نگرش اسطوره‌ای قابل ارائه نیست. کنکاش در تاریخ ادبیات و طرح مباحثی گفتمانی و بررسیهای جریان‌شناسانه ادبی و شیوه‌هایی از این دست، قادر به بازیابی و بازنمایی ادبیات شهادت نیست. بدین‌سان ردیابی عناصر زبانی تکرار شونده مرتبط با این کنش انسانی از نخستین آدم تا امروز از مسیر علم اسطوره‌شناسی می‌گذرد.

ج) تمامی عناصر متنی (تاریخی) و ادبی (خیالی) شهادت از گذشته دور تا امروز تکرار شده‌اند؛ جز آنکه در بافت زمانی یا مکانی خاص رنگ باخته‌اند و دوباره در موقعیت نو رنگ و روشنی گرفته‌اند. بنمایه جاودانگی عنصر بنیادین و دال مرکزی در پدیده شهادت است و بازتابش آن در ادبیات بیش از دیگر موتیفها مشهود است. قدرت‌نمایی، دلدادگی و باورمندی (اعتقاد) سه عنصر والایی و شناور در متون ادبی شهادت است. ویژگیهای ظاهری قهرمان، موقعیت رخداد و مختصات میدان (عرصه مبارزه) در مرتبه بعدی از موتیفها و بنمایه‌های تکرار شونده هستند.

قهرمان، خواهنده قدرت است برای آزادی بخشیدن به دیگران؛ اما چون نمیتواند بشریت را از دست اهریمن رها کند و طبیعت بشری را تغییر دهد (چون اساساً تغییرپذیر نیست)، پس بهتر است قهرمان اسطوره‌ای باشد و نه واقعی. ادبیات شهادت ادبیاتی است مبتنی بر بنیانهای معنایی و اسطوره‌ای جهان و ایران باستان که در دوره اسلامی رنگ الوهیت و باورمندی پذیرفت و با شکلگیری مذهب تشیع، از قوت و غنیت برخوردار شد. تنوع مضامین و تکرار معانی در بافت پُرتالهاب و ستیزنده ایران زمین با نگاه جهان‌شمول، این ادبیات را از کمیت و کیفیت شکلی و محتوایی عالی و تأثیرگذار برخوردار کرده است.

تعارض منافع

نویسنده این مقاله گواهی مینماید که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیتهای پژوهشی تمامی نویسنده است، و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. این تحقیق طبق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش به عهده نویسنده مسئول است، و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را بر عهده میگیرند.

REFERENCES

The Holy Quran

Azizi. Ahmad. (2011). Revelation shoes. Tehran: Almas.

Esmailipoor Motlagh. Aboalghasem. (2019). Poetry and intuition. Tehran: Hirmand.

Karimi. Mostafa. (2015). Investigating the concept of testimony with the approach of discourse analysis. Tehran: Holy defense research center.

Kohanmoei. Zhaleh. (2002). Descriptive culture of literary criticism. Tehran: University of Tehran.

Martyrdom poetry. (1986). Tehran: Islamic Revolution Martyr Foundation.

Nezhad. Shahin. (2015). A prelude to Iranshahri American political thought. Internet publication.

Rahimi. Mostafa. (1990). The tragedy of power shahnameh. Tehran: Niloofer.

Shabestari. Sheikh Mahmood. (2007). Golshan-e- Raz. Samad Movahhedi correction. Tehran: Tahoori.

فهرست منابع فارسی

قرآن کریم

اسماعیل‌پور مطلق، ابوالقاسم (۱۳۹۸)، شعر و شهود، تهران: هیرمند.

رحیمی، مصطفی (۱۳۶۹)، تراژدی قدرت در شاهنامه، تهران: نیلوفر.

شبستری، شیخ محمود (۱۳۸۶)، گلشن راز، تصحیح صمد موحد، تهران: طهوری.

شعر شهادت (۱۳۶۵)، تهران: بنیاد شهید انقلاب اسلامی.

عزیزی، احمد (۱۳۹۰)، کفشهای مکاشفه، تهران: الماس.

کریمی، مصطفی (۱۳۹۴) بررسی مفهوم شهادت با رویکرد تحلیل گفتمان، تهران: مرکز تحقیقات دفاع مقدس.
کهنمویی‌پور، ژاله (۱۳۸۱)، فرهنگ توصیفی نقد ادبی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
نژاد، شاهین (۲۰۱۵م)، پیش‌درآمدی بر اندیشه سیاسی ایران‌شهری آمریکا، نشر اینترنتی.

معرفی نویسنده

سمیره همتی: استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و زبانهای خارجی، دانشگاه پیام نور، ایران.
(Email: s.hemmati22@pnu.ac.ir)

COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. no permission is required from the authors or the publishers.

Introducing the author

Samireh Hemmati: Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Persian Literature and Foreign Languages, Payam Noor University, Iran.
(Email: s.hemmati22@pnu.ac.ir)